

درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل في شرائط الوضوء

تاریخ: ۲۴ آذر ۱۳۹۷

موضوع جزئی: شرط پنجم؛ طلا و نقره نبودن ظرف آب وضو - شرط ششم؛ مستعمل در خبت نبودن آب وضو

مصادف با: ۷ ربیع الثانی ۱۴۴۰

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

جلسه: ۳۴

« الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین »

**خلاصه جلسه گذشته**

بحث در مسأله ۵۵۹ بود. نظر مرحوم سید (ره) این بود که اگر شخص با اعتقاد به غصبیت یا طلا یا نقره بودن ظرف از آب آن ظرف وضو بگیرد و سپس معلوم شود که آن غصبی یا طلا و نقره نیست، صحت وضو اشکال دارد، ولی اگر از وضوی مذکور، قصد قربت متمشی بشود، بعید نیست که بتوان به صحت وضو حکم کرد.

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که امکان تمشی قصد قربت از وضوی مذکور، چگونه است؟

در فروضی که شخص به غصبی بودن یا طلا یا نقره بودن ظرف علم دارد، ولی نمی‌داند که تصرف در ظرف مغضوب یا استعمال ظرف طلا یا نقره برای وضو حرام است و با آب موجود در آن وضو می‌گیرد یا اینکه می‌داند تصرف در ظرف مغضوب و استعمال ظرف طلا یا نقره برای وضو حرام است، ولی معتقد است که تصرف و استعمال بر وضو منطبق نمی‌شود، بلکه معتقد است که تصرف و استعمال بر اکل و شرب از ظرف غصبی یا طلا یا نقره بار می‌شود، قصد قربت از وضو متمشی می‌شود چون وقتی شخص به حرمت تصرف در ظرف غصبی یا طلا یا نقره علم ندارد، فکر می‌کند که کار مباح انجام می‌دهد لذا به صحت وضو حکم می‌شود و همچنین، وقتی شخص معتقد است که آنچه حرام است، تصرف در ظرف غصبی یا طلا یا نقره به منظور اکل و شرب است، وضو صحیح است.

اما در یک فرض حکم مسأله فرق می‌کند و آن، فرضی است که شخص به غصبی بودن یا طلا یا نقره بودن ظرف علم دارد و همچنین، به حرمت تصرف در ظرف غصبی و حرمت استعمال ظروف طلا و نقره، برای وضو علم دارد و همچنین، به انطباق تصرف و استعمال بر وضو با آب آن ظروف نیز معتقد است، یعنی وضو و غسل را نیز از مصادیق تصرف در ظرف غصبی و استعمال ظرف طلا و نقره می‌داند که امکان تمشی قصد قربت وجود ندارد چون در فرض مذکور، به حرمت وضو علم دارد.

الشرط السادس: «أن لا يكون ماء الوضوء مستعملًا في رفع الخبث و لو كان طاهرًا، مثل ماء الاستنجاء مع الشرائط المتقدمّة و لا فرق بين الوضوء الواجب و المستحب على الأقوى، حتّى مثل وضوء الحائض و أمّا المستعمل في رفع الحدث الأصغر فلا إشكال في جواز التوضؤ منه و الأقوى جواز من المستعمل في رفع الحدث الأكبر و إن كان الأحوط تركه مع وجود ماء آخر...»<sup>۱</sup>.

شرط ششم از شرائط وضو این است که آب وضو در رفع خبت استعمال نشده باشد، هرچند که پاک باشد، مثل آب استنجاء با شرائطی که ذکر آن گذشت و أقوى این است که [در حکم مذکور]، بین وضوی واجب و مستحب فرقی نیست، حتی در مثل وضوی

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۱.

حائض نیز حکم همین‌گونه است، اما در جواز وضو گرفتن با آبی که در رفع حدث اصغر استعمال شده است، اشکالی نیست و اقوی این است که وضو گرفتن با آبی که برای رفع حدث اکبر استعمال شده است نیز جایز است؛ هرچند که احتیاط [مستحب] این است که با وجود آب دیگر، وضو گرفتن با آب مستعمل برای رفع حدث اکبر، ترک شود.

مرحوم سید (ره) در شرط ششم فرموده است که یکی از شرائط وضو این است که آب وضو برای رفع خبث مورد استفاده قرار نگرفته باشد، هرچند که آن آب، پاک باشد؛ مثل آب استنجاء که پاک است.

بعضی عالمان به نجاست آب استنجاء قائلند و دلیل آنها این است که آب استنجاء آب قلیل است و چون با نجس ملاقات کرده است، به اقتضاء قاعده منفعل و نجس می‌شود و طبق قاعده نجس و متنجس، منجس است، به خصوص اگر متنجس از مایعات باشد که در این صورت، حتماً منجس است؛ هرچند که اصل تنجیس متنجس محل اختلاف بین اصحاب است. قائلین به نجاست آب استنجاء برای مدعای خود به موثقه عمار استناد کرده‌اند و گفته‌اند که امام صادق (ع) در این روایت به غسل هر چیزی که آب متنجس به آن اصابت کرده است، امر نموده است:

عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ؛ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ يَجِدُ فِي إِنَائِهِ فَارَةً وَقَدْ تَوَضَّأَ مِنْ ذَلِكَ الْإِنَاءِ مِرَاراً أَوْ اغْتَسَلَ مِنْهُ أَوْ غَسَلَ ثِيَابَهُ وَقَدْ كَانَتْ الْفَارَةُ مُتَسَلِّخَةً، فَقَالَ: «إِنْ كَانَ رَأَاهَا فِي الْإِنَاءِ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسِلَ أَوْ يَتَوَضَّأَ أَوْ يَغْسِلَ ثِيَابَهُ، ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ مَا رَأَاهَا فِي الْإِنَاءِ، فَعَلَيْهِ أَنْ يَغْسِلَ ثِيَابَهُ وَيَغْسِلَ كُلَّ مَا أَصَابَهُ ذَلِكَ الْمَاءُ وَيُعِيدَ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ...»<sup>۱</sup>.

اما آیا دلیلی مبنی بر عدم نجاست آب استنجاء وجود دارد یا وجود ندارد؟

گفته شده است که روایاتی وجود دارند که بر عدم نجاست ملاقی با آب استنجاء دلالت دارند و از این روایات فهمیده می‌شود که آب استنجاء، یا طاهر است یا متنجسی است که منجس نیست. روایات مورد استناد در رابطه با لباس وارد شده‌اند، ولی از باب الغاء خصوصیت گفته شده است که در حکم مذکور، بین لباس و غیر آن فرقی نیست. بنابراین، گفته‌اند که در طهارت ملاقی با آب استنجاء اشکالی نیست؛ اعم از اینکه آن عدم اشکال از باب این باشد که چون آب استنجاء پاک است، ملاقی با آن نجس نمی‌شود یا از باب این باشد که آب استنجاء، منجس نیست؛ هرچند که متنجس است. سخن در این است که وجه عدم نجاست ملاقی آب استنجاء چیست؟ برای این منظور روایات مورد استناد باید بررسی شوند تا مشخص شود که بر چه چیزی دلالت دارند.

روایت اول: عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْعِزَّارِ عَنِ الْأَخْوَلِ؛ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثِ الرَّجُلِ يُسْتَنْجَى فَيَقَعُ ثَوْبُهُ فِي الْمَاءِ الَّذِي اسْتَنْجَى بِهِ؛ فَقَالَ: «لَا بَأْسَ»؛ فَسَكَتَ؛ فَقَالَ: «أَوْ تَذَرِي لِمَ صَارَ لَا بَأْسَ بِهِ؟» قَالَ: قُلْتُ: لَا وَاللَّهِ؛ فَقَالَ: «إِنَّ الْمَاءَ أَكْثَرُ مِنَ الْقَذَرِ»<sup>۲</sup>.

در روایت مذکور، امام صادق (ع) در رابطه با شخصی که استنجاء می‌کند و سپس لباسش در آبی که با آن استنجاء کرده است، قرار می‌گیرد، فرموده است که اشکالی ندارد و بعد سکوت کرده است. سپس امام (ع) فرموده است که می‌دانی به چه خاطر اشکال ندارد؟ روای گفته است که به خدا نمی‌دانم. پس امام (ع) فرموده است که آب از نجاست بیشتر است.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الماء المطلق، باب ۴، ص ۱۴۲، ح ۱.

۲. همان، ابواب الماء المضاف، باب ۱۳، ص ۲۲۲، ح ۲.

اگر تعلیل امام صادق (ع) [«ان الماء اكثر من القذر»] در ذیل روایت مذکور نبود، ممکن بود که «لا بأس» که در کلام آن حضرت (ع) آمده است، به ثوب برگردد و معنای نفی بأس از ثوب، طهارت ثوب است و بنابراین، روایت مذکور، از طهارت آب مستعمل و نجاست آن ساکت بود، اما تعلیلی که در ذیل روایت آمده است، حاکی از این است که نفی بأس به آب مستعمل برای استنجاء برمی گردد و بر طهارت آب استنجاء دلالت دارد. پس از باب سالبه به انتفاء موضوع، نجاستی در کار نیست تا منجس باشد.

**بحث جلسه آینده:** روایت مذکور، ان شاء الله، در جلسه آینده بررسی خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمين»